

گزارش



تهران موج چهارمی شد

در استان تهران روزانه حدود چهار هزار و هفتصد بیمار سرپایی به بیمارستان‌ها مراجعه می‌کنند و حدود ششصد نفر هم بستری می‌شوند

شهروند | کووید-۱۹ از سی ام بهمن ۹۸ حضورش را رسماً اعلام کرد؛ بادو کشته در قم. حضوری که تنها به مرزهای قم بسنده نکرد و از شهری به شهر دیگر سرک کشید. کووید-۱۹ در فروردین با آمار بیش از سه هزار بیمار در یک روز در اوج بودنش را به رخ کشید.

اوجی که در اردیبهشت کمی فروکش کرد و اواسط خرداد رکورد ثبت سه هزار و پانصد مبتلا در یک روز را به نام خود ثبت کرد. نیمه مهر کووید-۱۹ وارد فاز جدیدی شد تا ایران شاهد موج سوم باشد هر چند کووید-۱۹ فرازوفرودهای بسیاری را پشت سر گذاشت تا در فروردین ۱۴۰۰ موج چهارم شهر به شهر بچرخد.

فرازوفرودهایی که با کمبود مواد ضد عفونی و ماسک در روزهای ابتدایی مرکزگشایی همراه بود و بعدها دغدغه تأمین واکسن به آن اضافه شد. هر چند سیاست «شل کن، سفت کن» مسئولان هم در آغاز حکومت موج‌های جدید بی‌تأثیر نبود.

سیاست یک بام و دو هوا

ویروس ووهان که به قم رسید بحث بر قرنطینه شد هر چند در مرحله اولیه انکار راهکار مقابله با این ویروس بود تا بعد از آن قرنطینه راهکاری قرون وسطایی نامیده شود. کووید-۱۹ در قم قربانی می‌گرفت اما همچنان اخبار از پروازهایی از مقصد چین می‌گفتند.

انتقادات بالا گرفت و دولت رسماً پرواز به چین را ممنوع کرد هر چند اعلام این محدودیت هم کارساز نیفتاد تا شنیده‌ها از پرواز هواپیمایی ماهان به چین بگویند. بعد از قبول واقعیت ویروس همه‌گیر محدودیت‌های دست و پا شکسته روی کار آمدند.

محدودیت‌هایی که به نظر منتقدان کارساز و کافی نبودند. زمانی محدودیت‌ها یقه مشاغل را گرفتند و زمانی تردها را نشانه رفتند؛ محدودیت ساعتی بر تردها آخرین تصمیم بود در زمینه اعمال سیاست‌های محدودیتی. محدودیت‌ها دست و پا شکسته اجرا شدند. صدای بهار کم‌کم به گوش رسید و با زرد و نارنجی شدن شهرها امید به قرنطینه شهرها می‌رفت؛ قرنطینه‌ای که تعطیلات نوروز فرصت مناسبی برای عملی شدن آن بود.

البته در کمال ناباوری ماجرا تنها با خواهش و تمنا به شهروندان خاتمه یافت؛ لطفاً سفر نروید! سال که نوشد خوزستان و شهرهای قرمز از پذیرش میهمان صرف نظر کردند. سفرهایی که شهرهای آبی راز کردند و زردها جایشان را به نارنجی دادند تا تعداد شهرهای قرمز هم افزایش بیابد. تعطیلات به پایان رسیده و حالا صحبت از موج چهارم و گسترش ویروس انگلیسی است!

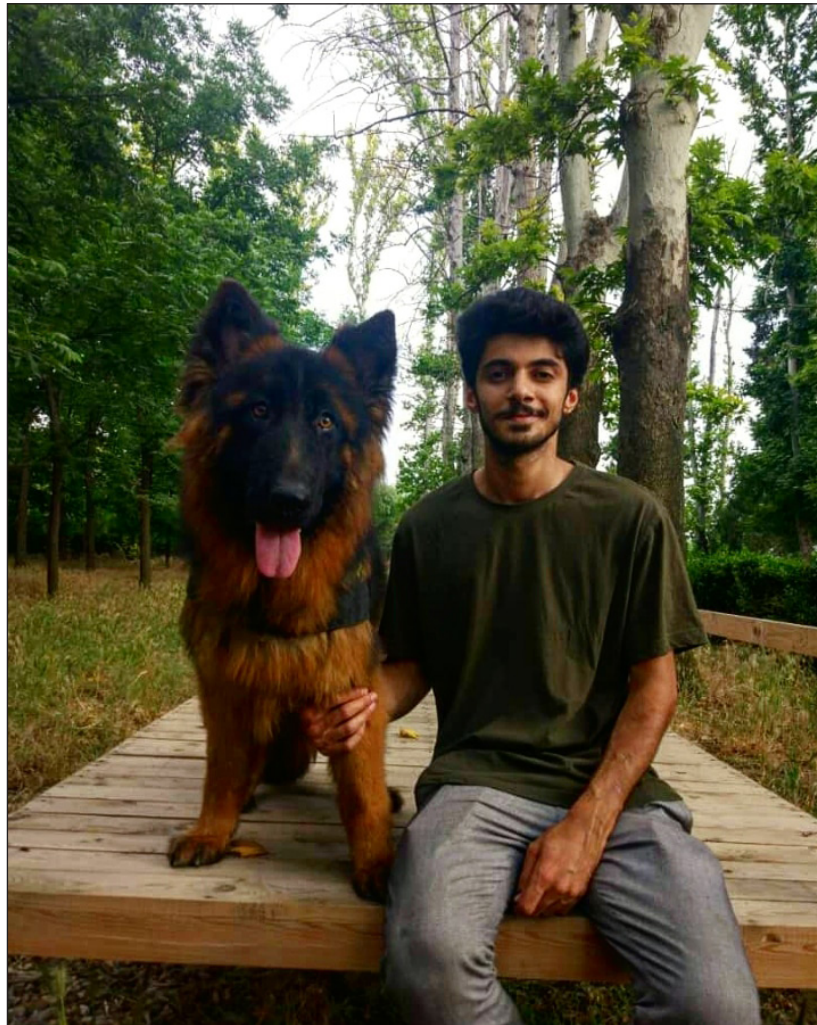
دورکاری و افزایش ظرفیت بیمارستان‌ها راهکار موج چهارم!

موج چهارم به تهران زده است. تعداد بستری‌ها افزایش ۳۷ درصدی داشتند؛ بیمارانی که بخش مراقبت‌های ویژه را متراکم کرده‌اند تا ارایه خدمات سخت‌تر از گذشته ادامه یابد. هر چند پایتخت چشم‌انتظار تصمیمات جدید است.

تصمیماتی که در گام اول افزایش ظرفیت پذیرش بیماران مبتلا به کرونا را به خود خواهد دید. این در حالی است که روزانه حدود چهار هزار و هفتصد بیمار سرپایی به بیمارستان‌ها مراجعه می‌کنند و حدود ششصد نفر هم بستری می‌شوند.

آمارهایی که در هفته دوم فروردین افزایش را تجربه کرد؛ آمارهایی که با استناد به صحبت‌های معاون درمان ستاد کرونای استان تهران در هفته‌های سوم و چهارم به بحران کشیده خواهند شد.

وضعیتی که همگی نتیجه سفرها و میهمانی‌های نوروزی‌اند و نشان از این دارند که ما فرصت خوبی را برای مهار کرونا از دست داده‌ایم. آخرین مصوبات ستاد ملی کرونا حضور یک سوم کارمندان مشاغل ضروری را برای شهرهای نارنجی در نظر گرفته هر چند سایر ادارات می‌توانند با نیمی از کارکنان به کارشان ادامه بدهند. اما وضعیت برای قرمزها کمی متفاوت است؛ چون حضور کارمندان مشاغل ضروری باید به نصف کاهش بیابد و خدمات غیر ضروری می‌تواند با دوسوم کارمندان ارایه شود. مصوباتی که دوباره محدودیت‌ها را لازم‌الاجرا دانسته‌اند؛ اما هنوز نه خبری از واکسیناسیون با روند پیش رو است نه از یک اقدام جدی همچون قرنطینه قرمزها برای مقابله با کرونا.



او توضیح می‌دهد که سگ‌ها چهار برابر انسان‌ها می‌شنوند و انفجارهایی که در پانسیون رخ داد می‌تواند در روند رفتاری سگ‌هایی که در آن حادثه حضور داشتند تأثیر منفی بگذارد و بیش از یک ماه پس از آتش‌سوزی اضطراب حادثه را داشته و نسبت به همه چیز می‌ترسند که پس از مدتی این ترس نیز از بین رفته و رفتارشان به حالت عادی برگشت. در حال حاضر برخی از این سگ‌ها کنار صاحبان‌شان هستند و آنها که درمان شده بودند نیز دوباره به طبیعت برگشتند.

علاقه به سگ‌ها از کودکی

این رفتارشناس سگ تعریف می‌کند که از کودکی به دنیای سگ‌ها علاقه داشته است. از همان نوجوانی در مراکز و پانسیون‌های نگهداری سگ کار می‌کرده و به دلیل علاقه‌ای که به این حیوان باوفا داشته همه دوره‌های تخصصی نگهداری سگ‌ها را طی کرده است و تمام سختی‌های این کار را در این مسیر به جان خریده است.

کتاب در حمایت از حیوانات

آنقدر در این مسیر اطلاعات خود را بالا برده که دو کتاب یکی در مورد رفتارشناسی سگ‌های اهلی و دیگری کتابی به نام مسیر طبیعت نوشته که راهنمای سلامت سگ‌ها بوده و در این کتاب‌ها به وضعیت رفتاری و احساسی سگ‌ها اشاره شده است. تغذیه این حیوانات، دوری از مواد غذایی فرآوری شده و سوپرمارکتی از جمله مواردی است که در این کتاب به آن اشاره شده است. زیرا به نظر این مربی کارآموزده فرقی ندارد چه انسان و چه حیوان نتیجه غذایی است که مصرف می‌کند و مواد مصرفی روی ذهن و روان ما تأثیر می‌گذارد و در این کتاب‌ها به بحث تغذیه و رفتار با حیوانات اشاره شده است.

هاتف، برای نجات سگ‌ها به آتش زد و سوخت

ناجی سگ‌ها در حمایت از آنها کتاب نوشت

که نمی‌توانست این کار را انجام دهد. همه سگ‌ها سالم ماندند جز خودش

آخرین سگ را که پیدا کرد سریع خودش را به پایین پله رساند اما شعله‌های آتش او را بی‌نصیب نگذاشتند و به صورت و دست‌هایش هجوم بردند. وقتی هاتف به بیمارستان سوانح سوختگی گرگان منتقل شد مشخص شد که بیش از ۳۷ درصد سوختگی دارد دست چپش سوختگی درجه سه عمیق و صورتش سوختگی درجه دو و دست راستش هم سوختگی درجه یک داشت. این در حالی است که جزیک سگ پشمالو که کمی از موهایش کز شده بود بقیه سگ‌ها سالم و بدون هیچ آسیبی به حیاط و نقطه امن ساختمان منتقل شدند.

دو ماه در بیمارستان

ماجرای نجات دادن سگ‌ها، هاتف اسدالهی را دو سه ماهی در بیمارستان نگه داشت و یک سال هم روند پانسمان‌ها و دردهای او به طول انجامید. هنوز هم پس از گذشت مدت‌ها از این حادثه هنوز انگشتان دست چپش گوشت اضافه دارد و به طور کامل از هم باز نمی‌شوند و نمی‌تواند به راحتی آن را مشت کند.

بعد از این ماجرا نه سازمان محیط زیست از او حمایت کرد و نه صاحب سگ‌هایی که او برای نجات آنها خودش را به دل آتش زده بود. در این میان چند ان.جی.او.از او حمایت کردند و خودش می‌گوید همین که فرهنگ حمایت از حیوانات بین مردم نهادینه شود بیشترین مزدی است که عایدش شده است.

او می‌گوید تعدادی از این سگ‌ها حیوانات حمایتی بودند که خودم با هزینه شخصی از آنها نگهداری می‌کردم مثلاً اگر جایی سگی را می‌دیدم که تصادف کرده و توان حرکت ندارد او را به پانسیون می‌آوردم و تحت درمان قرار می‌دادم. این حیوانات را پیش دکتر می‌بردم و از آنها نگهداری می‌کردم تا زمانی که توان حرکت و دفاع از خودشان را داشته باشند.

انسانیت یعنی نجات همه بندگان خدا

هاتف می‌توانست خیلی راحت خودش

ملیحه محمود خواه، در نگاه اول شاید زیاد منطقی به نظر نیاید اما محبت و انسانیت گاهی منطقی سرش نمی‌شود. مثل همان موقع که هاتف خودش را به دل آتش زد تا چند سگ رانجات دهد خودش سوخت و حتی پس از گذشت دو سال از آن ماجرا هنوز سلامتی‌اش را به طور کامل پیدا نکرده است اما با این وجود می‌گوید اگر باز هم به عقب برگردم همین کار را می‌کنم. زیرا نمی‌توان ایستاد و نگاه کرد که چند موجود زنده در آتش می‌سوزند. فرقی هم نمی‌کند که این موجود حیوان است یا انسان که اگر نسبت به حیوانات نیزی توجه باشی قطعاً از کنار انسان‌ها نیز می‌توانی به راحتی عبور کنی

عصریک روز سرد پاییز ۹۷ بود. هاتف در پانسیون نگهداری سگ‌ها مشغول درست کردن جاروبرقی بود که صدای انفجار از طبقه پایین به گوش رسید.

مدتی بود در محل زندگی‌اش پانسیونی را درست کرده بود و در آنجا سگ‌های بیماری که گاهی در خیابان پیدا یا صاحب‌شان برای درمان آنها را به پانسیون می‌آوردند نگهداری می‌کرد. سگ‌های ویلچری یا بیماری که توان حرکت نداشتند و به ناچار مجبور بودند یک جا بنشینند یا سگ‌های آموزشی که برای یاد گرفتن برخی از مهارت‌ها به پانسیون سپرده شده بودند.

ماجرای آتش‌سوزی

ساختمان قدیمی شده و گذشت زمان سبب شده بود که سیستم برق‌کشی این ساختمان عمرش به پایان برسد و آنقدر فضای پانسیون، قدیمی شده بود که هاتف ناچار شده بود فضای مناسب دیگری برای پانسیون خود پیدا کند و قرار بود همان روز اسباب و اثاثیه‌اش را جمع کند و به محل دیگری نقل مکان کند.

خودش می‌گوید صدای انفجار اول زیاد نبود اما خبر از حادثه بدتری می‌داد. هفت سگ در پانسیون بودند که همه بیمار بوده یا توان حرکت نداشتند بین نجات دادن خودم و این سگ‌ها یک راه داشتم اما دلم نمی‌آمد بینم که این حیوانات دستی‌دستی در آتش بسوزند. یکی یکی این سگ‌ها را از ۲۴ پله پایین آوردم و به حیاط منتقل کردم.

در مسیری که هاتف سگ‌ها را به حیاط منتقل می‌کرد انفجار دوم این بار مهیب‌تر رخ داد آنقدر بلند که هاتف که در میانه راه بود همان طور که سگ سیاه پاشکسته در بغلش بود از هشت پله‌ای که مانده بود تا به حیاط برسد به پایین پرت شد اما هنوز سه سگ بالا بودند که صدای زوزه و کمک‌خواهی‌شان به گوش می‌رسید.

حالا شعله‌های آتش گزنده‌تر شده بودند و این بار داخل حیاط لباسش را ترک کرد و دوباره به دل آتش زد. سگ‌ها را یکی یکی از میان دود پیدا می‌کرد و تمام پله‌هایی را که شعله‌های آتش و دود آنها را غیرقابل تشخیص کرده بود دو تا دو تا طی می‌کرد تا به پایین برسد (در آن میان سگ خودم که پایین پله‌ها ایستاده بود مدام تلاش می‌کرد خودش را به دل آتش برزد و به کمک من بیاید اما آنقدر آتش زیاد بود

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

نوبت اول

مجمع دارویی درمانی هلال ایران واقع در فلکه دوم تهرانپارس، خیابان شهید ناهیدی، در نظر دارد **انجام خدمات طبخ و توزیع غذای کارکنان** خود را از طریق مناقصه عمومی و بر اساس شرایط مندرج در اسناد مناقصه و ضمیمه آن واگذار نماید.

لذا بدینوسیله از تمامی پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت دعوت می‌گردد؛ طبق شرایط ذیل نسبت به شرکت در مناقصه اقدام نمایند.

مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مناقصه و دریافت اسناد: از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۸ تا ساعت ۱۴:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۳ می‌باشد.

محل دریافت اسناد: تهران، فلکه دوم تهرانپارس، خیابان شهید ناهیدی، بعد از چهارراه سیدالشهدا، پلاک ۲۵، ساختمان اداری، طبقه دوم، واحد امور قراردادهای. **تلفن:** ۷۳۰۸۴۰۰۰ داخلی ۶۳۴۶.

مهلت تحویل اسناد: تا ساعت ۱۶:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۹.

مدارک لازم جهت دریافت اسناد مناقصه: ارائه معرفی نامه یا کارت شناسایی متقاضی و اصل فیش واریزی به مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال به شماره حساب ۱۳۷۰۰۰۰۰۳۰ نزد بانک رفاه کارگران، شعبه تهرانپارس، به نام مجمع دارویی درمانی هلال ایران (غیر قابل استرداد). مجمع در دعوت از متقاضیان جهت شرکت در جلسه کمیسیون معاملات خود و رد یا قبول هر یک از پیشنهادهای مختار است.

هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.